

## اقتصاد عقب مانده

خم شده درزیر بارقرون برییل خودتکیه میزند و  
خیره خیره بر زمین مینگرد .

درچهره اش شیارهای عمر بیحاصلش نقش است و  
برپشتش بارگران زندگی سنگینی میکند .  
ازشاعر آمریکائی «ای . مارکهام .»

سهل انگاری درتشکیل گروهی ازپیشقراولان دانش بسیار ابلهانه است . باید  
آنان را که بکار تحقیق و کاوش اشتغال دارند آزاد بگذاریم تا بهرچیزشک کنند و  
نتایج اندیشه خود را بمعرضه بدارند .

تحوای عظیم که در قرن ما زندگی بشر را دستخوش تغییر و دگرگونی قرار  
دادد و جنبه دارد . يك جنبه آن که فنی است از اواخر قرن هیجدهم و انقلاب صنعتی آغاز  
میشود . انقلاب صنعتی تحول و تکامل تکنیک را پدیدار ساخت و تولید را از انحاز  
کمیت و کیفیت بصورتی نوین و بیسابقه درآورد . دوک نخ ریسی و کاو آهن  
بتدریج جای خود را به ماشین های عظیم نساجی و تراکتور سپردند و خود در گوشه  
های موزه تاریخ برای مجسم ساختن دورانی از زندگی انسان جای گرفتند . تکنیک  
جدید بر میزان تولید بطور معجزه آسا افزود و نوع و کیفیت آنرا نیز بهبودی  
فوق العاده بخشید و درعین حال ازرنج بشری کاست .

جنبه دوم تحول قرن ما آزادی فکر بشر و رهائی طایر زیبای اندیشه از قیود  
وسنن عتیق است . اندیشه آرزومند و بلند پرواز زنجیرهای اعصار و قرون را از  
دست و پای خود برداشت و برای تحقق آمال و آرزوهای دیرین بتلاش و کوشش  
پرداخت . بهبود زندگی مادی و آرامش فکری و داشتن تامین و اتکاء - رویاهای  
شیرین قرون گذشته - اندک اندک بصورت واقعیت درآمد و اگر برای تمام افراد  
خانواده بشری تحقق پذیر نشد لااقل گروه قابل ملاحظه از آن برخوردار شدند و  
ملل غرب با زندگی مرفه که برای خود برپا کردند چنین نشان دادند که تسامین این  
شرایط برای دیگران نیز امکان پذیر است .

اقتصاد مترقی و شرایط زندگی مساعد و مرفه در مقابل اقتصاد عقب مانده

و طرز تولید بوسیده و قدیمی با تمام نتایج و متفرعات آن نتیجه تحول عظیم و انقلابی قرن ماست .

دو موقعیت و سیستم اقتصادی مختلف و متضاد در کنار هم قرار گرفته اند زیرا این تحول و تغییر در کشورهای جهان و برای تمام انسانها بطور یکسان و یک نواخت صورت نگرفته است. دوسوم مردم جهان هنوز مانند اجداد خود زندگی می کنند در حالی که فقط يك سوم دیگر سطح تولید بیشتری بدست آورده اند و از رفاه مادی و معنوی بیشتری برخوردارند. در زمان ما وسائل تولید و تشکیلات اجتماعی نوینی پدید آمد که افراد بشر را از خوراك ، پوشاك ، مسكن فرهنگ و بهداشت و آسایش و آرامش روحی بیشتری برخوردار میسازد .

بهبود و تکامل تنها در زندگی مادی رخ نداد . روح و فکر آدمی نیز برای کشف حقایق امور و دانستنیها نیرومندتر شد . فرد بشر ارزش بیشتری پیدا کرده است . اما تمام این تحول و تغییر در مغرب زمین رخ داد و اکثریت بزرگی از ملل جهان همچنان مانند اجداد خود زندگی می کنند و رنج می برند . روشهای کهنه تولید - چه در کشاورزی و چه در صنعت با وسائل کهن هم چنان بجای خود باقی است و زیادتر از دوسوم جمعیت جهان با آن سرو کار دارند .

توام با تحول اقتصادی مسئله دیگری نیز حل شد و آن دشواری ارتباط بین ملل جهان بود . جدائی ها و محدودیت ها و بی خبری های ناشی از بعد مسافت ها با وسائل ارتباطی جدید از بین رفت و مردم عقب افتاده نیز تکان خوردند و بیدار شدند .

ارتباطی که بین شرق و غرب برقرار شد اختلاف سطح زندگی را زیادتسرا آشکار نمود و این اختلافات که آشکارتر گردید کمتر قابل دوام است . تمدن و نظام اجتماعی کشورهای کم رشد با یکدیگر اختلافات زیاد دارد اما عوامل مشترک زیادی هم در آن دیده میشود . فقر در این کشورهای شیوع دارد و بهداشت و تعلیم و تربیت نایاب و گرانبهاست . قدرت را گروه معدودی قبضه کرده اند و فواصل بین افراد زیاد است ناسیونالیسم حکومت خود را با شدت و قدرت اعمال میکند و تمدن غرب در هر يك از این کشورها آثار فرهنگی و اجتماعی متفاوتی بجا گذاشته است . نتیجه کلی و عمومی فقر در این سرزمین ها کاستن از عمر مردم است . حد متوسط سن در کشورهای عقب مانده نصف سن مردم کشورهای مترقی است .

اسهال خونی ، تراخم ، سل ، و پاره امراض مقاربتی شیوع فراوان دارد . و کمبود ویتامین و مواد غذایی امری عادی تلقی میگردد . کالری غذایی این ممالک يك سوم ممالک مترقی تخمین زده شد . و نوع غذای این کشورها با کشورهای تکامل یافته متفاوت است . حبوبات و غلات و سیب زمینی در مقابل شیر و گوشت و مواد گران قیمت دیگر و تعداد پزشك قلیل و نسبت آن بجمعیت قابل مقایسه با کشورهای مترقی بنظر نمیرسد تحصیلات ابتدائی برای اقلیت کوچکی میسر است و تحصیلات متوسطه و دانشگاهی جز زندگی لوکس محسوب میگردد . از هر پنج نفر شاید یک نفر خواندن و نوشتن را بداند و مقدار قماش مصرفی برای لباس و غیره يك چهارم کشورهای مترقی است .

نیروی انسان در صنایع و کشاورزی مانند قرون گذشته مورد مصرف قرار می گیرد و انرژی غیر انسانی معادل نصف آن در کشورهای پیش افتاده می باشد. در نتیجه بررسیهای کارشناسان ملل متحد معلوم گردید که فاصله بین کشورهای عقب مانده و کشورهای مترقی سال بسال افزایش می یابد و تنها کشورهایی که يك نقشه اقتصادی متمرکز طرح و اجرا کرده اند امکان پیشرفت دارند ..

روزنه امیدی که بچشم میخورد جنبش و تلاشی است که در سراسر کشورهای عقب مانده و بین مردم محسوس می باشد. مردم خواهان پیشرفت و تکامل اند و برای انجام آن فداکاری می کنند. هارولد باتلر (۱) رئیس سازمان بین المللی کار در ۱۹۳۷ سفری بجنوب و جنوب شرقی آسیا کرد گزارشی از مسافرت خود تقدیم سازمان نمود. باتلر در این گزارش مینویسد:

«جنبش عظیمی مشرق زمین را بتکان در آورده است. مردم خاور باوقوف بر اینکه تقدیر اجتناب ناپذیر آنها فقر و بدبختی نیست و امکان زندگی بهتری هم وجود دارد فقر را زیادتر احساس میکنند مردم مشرق فلسفه تقدیر را یکسو گذارده اند و برای زندگی بهتری تلاش مینمایند و شاید این انقلابی ترین جنبش عصر انقلابی ما باشد.»

ویلیام دو کلاس قاضی معروف آمریکایی که برای پیماکردن ششم سیاسی نیز گاهگاه بمسافرتهاهای دور و دراز میپردازد در کتاب سرزمینهای شکفت انگیز و مردم دوست داشتنی (۲) مطالب جالبی آورده است که نشانه جنبش و تلاش عمومی برای پیشرفت و بهبود است.

«شکایات دهقانان عبارتست از نبودن وسائل مداوا و مدرسه، دهقانان از وضع مالکیت زمین شاکی هستند و میل دارند این مسئله بنفع آنها حل شود. اینها میل دارند روشهای جدید کشاورزی را یاد بگیرند. روستائیان برای بدست آوردن حق رای تلاش میکنند و علاقه دارند کارمندان فاسد را تنبیه کنند. از دریای مدیترانه تا اقیانوس آرام يك ده را ندیدیم که عدم رضایت در آن وجود نداشته باشد»

اما چه عواملی محرك و موجب این جنبش و کشش است. ممالک غرب بطور نمونه ثابت کردند که فقر عمومی اجتناب ناپذیر می باشد. دنیای زمان ما با وسائل ارتباطی بی سابقه که در اختیار دارد ناظر و شاهد بهبود زندگی در مغرب و ریشه کن شدن فقر و بدبختی است. و سرمشقهای غرب همت و پشتکار او را در تامین يك زندگی بهتر می افزاید.

ناسیونالیسم از محرکهای نیرومند جنبش شرق محسوب است و کشورهای عقب افتاده و نیمه مستعمره برای پیشرفت اقتصادی و تحصیل استقلال با شعار ناسیونالیسم بکوشش و مبارزه برخاسته اند. تکامل اقتصادی و تحصیل استقلال بر احترام و حیثیت این ملل می افزاید. موقعیت آنها در جامعه ملل جهان تحکیم می کند و باین ترتیب جنبشهای ناسیونالیستی در کشورهای عقب مانده توسعه می یابد و نیرو می گیرد.

۱) Harold Butler

۲) William Douglas

اما خصوصیت مشترک کلیه کشورهای عقب مانده و اقتصادهای تکامل نیافته عبارتست از:

۱ - روش تولید فلاحی و صنعتی قدیمی و تشکیلات اجتماعی لازمه آن که بنوبه خود پوسیده و کهنه است ۲ - فقر عمومی و ممتدی که نتیجه همان روش تولید و درآمد ملی قلیل است و در اثر يك حادثه اجتماعی بوجود نیامده. اقتصاد عقب مانده شامل تمام ممالک آسیا آفریقا و آمریکای لاتین است که جمعیت آنها بر ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ بالغ میگردد. و اگر گروه متوسط را که از چند ملت اروپائی و ژاپن و روسیه و اسرائیل و عده از کشورهای آمریکای لاتین تشکیل شده در حدود ۴۲۵۰۰۰۰۰۰۰ جمعیت دارند بر آن بیفزاییم زائد بر دوسوم از مردم جهان در عداد ملل عقب مانده و اقتصاد تکامل نیافته درمی آیند کشورهای مرقی شامل ممالک شمال غربی اروپا، آمریکا، کانادا و استرالیا میباشد و در حدود ۳۷۵۰۰۰۰۰۰۰ جمعیت دارند، درآمد متوسط فردی کشورهای آمریکا و کانادا بالغ بر هزار دلار در سال میگردد اما در کشورهای عقب مانده این مبلغ بیش از ۱۵۰ دلار نیست. (۱) و باز بنا بر تحقیقات سازمان ملل نیمی از مردم دنیا در کشورهای زندگی می کنند که درآمد متوسط سالانه فردی آن ها به صد دلار نمیرسد:

بسیار جالب است که کشورهای متحد آمریکا با جمعیت خود که اندکی زیادتر از شش صدم جمعیت دنیا است در سال ۱۹۵۰، چهل درصد درآمد دنیا را در اختیار داشت اروپا با بیست و پنج درصد جمعیت دنیا چهل درصد دیگر درآمد را در حالی که آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین با بیش از شصت و پنج درصد جمعیت دنیا فقط هفده صدم درآمد جهان را در اختیار داشتند (۲).

مجله ماهانه آمار که در ژوئن ۱۹۵۲ از طرف سازمان ملل منتشر گردید. درآمد ملی و توزیع آنرا بین کشورهای جهان در صورت زیرین مجسم میسازد. در این صورت اسامی کشورها بنا بر میزان درآمد ملی و رشد اقتصادی آنها ذکر شده است.

۱ - از گروه کشورهای شرقی و پیش افتاده کانادا - ایالات متحده - بلژیک - نروژ - سوئیس - دانمارک - فرانسه - آلمان - انگلیس - استرالیا - زلاند جدید.

۲ - از گروه کشورهای متوسط - ایالات متحده آفریقا - آرژانتین - شیلی - روسیه شوروی - اسرائیل - ژاپن - اطریش - چکواسلواکی - ایتالیا - اسپانی.

۳ - از گروه اقتصادهای عقب مانده و کم رشد الجزیره - مصر - مستعمرات فرانسه - برزیل - کلمبیا - افغانستان - چین - هندوستان - اندونزی - ایران - عراق - پاکستان

(۱) نقل از نشریه اماری سازمان ملل متحد. ژوئن ۱۹۵۲

(۲) منبع نشریات سازمان ملل متحد.

آلبانی - یونان - رومانی - یوگسلاوی - بلغارستان  
 باین ترتیب خصوصیات مشترك اقتصادهای عقب مانده و وضع و تقسیم ملل  
 از لحاظ تکامل اقتصادی روشن میگردد ولی از لحاظ اقتصادی و علمی سنجش میزان  
 تکامل اقتصادی با عقب ماندگی بنحود بگری صورت میگیرد  
 احتیاجات زندگی بشر کدام است؟ بشر قبل از هر چیز بخوراك پوشاك مسكن  
 بهداشت و فرهنگ و استراحت کافی نیازمند میباشد کار متناسب و آسایش و آرامش  
 روحی و مصونیت نیز از شرایط ضروری است. باین استدلال هر جامعه که این  
 احتیاجات را بیشتر برآورده سازد متریقی تر و تکامل یافته تر است و در جهت  
 عکس هر اجتماعی که کمتر نیازمندی های افراد خود را ارضاء کند عقب افتاده تر  
 محسوب خواهد شد.

ولی آیا این تعریف و توضیح از لحاظ علمی کافی است و باین کلیات میتوان  
 میزان و معیاری برای سنجش عقب ماندگی يك اقتصاد یا يك جامعه بدست آورد؟  
 آیا نه اینست که در تمام اجتماعات نیازمندی های اولیه بشری بصورتی برآورده  
 می شود و هر فرد سر نوشت و معاشی دارد؟ آیا از لحاظ علمی (علم اقتصاد) شاخص هایی  
 برای سنجش میزان عقب ماندگی یا تکامل اقتصادی اجتماعات در دست نیست.  
 اصطلاح «اقتصاد عقب مانده» بسیاری از اراضی آسیا و آفریقا و خاور  
 نزدیک و دور و اروپای شرقی و آمریکا را در بر میگیرد ولی نیاز بتوضیح و  
 استدلال ندارد که تمام کشورهای عقب مانده از لحاظ تامین نیازمندی های افراد جامعه  
 در يك مرحله قرار ندارند و رفاه مادی و آسایش معنوی انسانها در این نواحی امری  
 کاملا نسبی است.

کشورهای عقب مانده اختلافات بازرسی با یکدیگر دارند و طبقه بندی کلی  
 و عمومی آنها امری گمراه کننده و غیر علمی است. يك کشور عقب مانده یا يك اقتصاد  
 تکامل نیافته آنچنان کشور و اقتصادی است که بطور متوسط میزان رفاه مادی و آسایش  
 روحی و معنوی کمتری نسبت بیک کشور متریقی برای افراد خود فراهم و تامین میسازد  
 يك کشور تکامل نیافته ممکن است از لحاظ علوم فلسفه ادبیات آب و هوا و مناطقی  
 طبیعی و اقلیمی بسیار غنی باشد اما سیستم تولید و اقتصاد آن نتواند رفاه بیشتری  
 برای مردمش بوجود بیاورد.

چنین کشوری در موارد بسیار منابع ثروت و ذخائر طبیعی نیز در اختیار دارد  
 که هنوز بکار نیافتاده یا اینکه طرز استحصال و بهره برداری آنها چیزی عساید  
 مردم نمیسازد. مسئله اساسی نیز همین است که منابع طبیعی طوری بکار افتد که سطح  
 زندگی مردم بالا برود.

بمنظور تعیین میزان رفاه و آسایش مادی انسان در اجتماعات مختلف و نوع  
 شاخص در دست داریم. این شاخص ها در همه جایکسان و دارای ارزش و مفهوم  
 مشترك و معینی هستند.

اما اشکال کار اینست که شاخص های مذکور از روی مجموعه های آماری  
 باید تهیه و تنظیم گردد و متاسفانه مجموعه های آماری مورد نیاز در همه اجتماعات و

و کشورها تهیه نشده. و در دسترس قرار نگرفته است.

در هر حال نوع اول شاخص‌ها مربوط به کیفیت و ترکیب زندگی است. تمام فعالیت‌های اقتصادی بطور مستقیم یا غیر مستقیم برای زنده ماندن افراد و زندگی کردن بنحو مطلوب صورت میگیرد.

زندگی و برخورداری از مواهب حیات آرزوی ابتدائی و نهائی و مطلوب تمام افراد است و هیچکسی حاضر نیست زندگی خود را با چیز دیگری ولو گرانبها و کمیاب معاوضه کند.

به همین دلیل نوع اول شاخص‌های تکامل اقتصادی زندگی را بعنوان کاملترین و آخرین محصول دستگاه اقتصادی و فعالیت‌های آن در نظر میگیرد زیرا تمام جنب و جوش‌ها و فعالیت‌ها را فلسفه تشکیل کلیه موسسات اجتماعی برای اینست که آدمی زنده بماند و زندگی کند بنا بر این زندگی درازتر امیدواری بز زندگی درازتر بهنگام تولد و یا مرگ کمتر کودکان خود بخود مطلوب مورد آرزوست و وسیله برای نیل به هدف دیگر محسوب نمیشود.

دسته دوم شاخص‌ها يك رشته کشفیات آماری هستند که عملکرد و انعکاس تکامل زندگی اقتصادی را نشان میدهند و محصولی حقیر از زندگی را مجسم میسازند برای مثال میتوان تولید متوسط فلاحتی را برای هر فرد و یا در هر جریب از اراضی کشور و یا درآمد فردی را در نظر گرفت. این شاخص‌ها بتنهائی نه خوب هستند و نه بد ولی تا حدودی نشان میدهند که چرا رژیم غذایی کشور ناقص و چرا مرگ نوزادان رو باز دیاد گذارده است.

شاخص‌های دسته اول این حقیقت را بیان میدارند که کشورهای عقب مانده فقیرند و شاخص‌های دسته دوم بعضی از علل فقر را نشان میدهند که در زمینه آن‌ها می‌توان اقدامات استعلاجی معمول داشت.

احتمال بز زندگی در هنگام تولد مردان سفید پوست آمریکا در سال ۱۹۰۰ ۴۸٫۳ سال بوده است در ۱۹۴۵ این شاخص به ۶۴٫۰ سال تزايد یافت و در سال ۱۹۶۶ به ۶۵٫۴ اما جدول احتمال بز زندگی که از شاخص‌های دسته اول است برای تمام کشورها تهیه نشده در کشورهای عقب مانده احتمال بز زندگی در هنگام تولد معمولاً ۲۰ الی ۲۵ سال کمتر از کشورهای تکامل یافته میباشد. قبل از جنگ دوم احتمال بز زندگی در هنگام تولد در اسکاندیناوی و انگلیس و بیشتر کشورهای اروپای غربی ۶۰ سال بوده است اما در هند و چین و اندونزی و بقیه آسیا رقم قابل مقایسه شاید کمتر از ۴۰ سال باشد جدول زیر احتمال بز زندگی را در سنین مختلف عمر و در کشورهای مختلف مجسم میسازد.

کشور	تاریخ	عمر در سالهای
		۱۵
		۵

## کشورهای تکامل یافته:

کشورهای متحده آمریکا	۱۹۳۹-۴۱	۶۳۷۸	۶۲۷۶	۵۳۷۲
انگلیس	۱۹۳۰-۳۲	۶۰۷۸	۶۱۷۷	۵۲۷۷
سواد	۱۹۳۱-۴۰	۶۵	۶۳۷۸	۵۴۷۶

## کشورهای متوسط:

ایتالیا	۱۹۳۰-۳۲	۵۴۷۹	۶۰۷۵	۵۱۷۸
---------	---------	------	------	------

## کشورهای عقب مانده:

مکزیک	۱۹۲۹-۳۳	۳۷	-	۳۹۷۴
مصر	۱۹۳۶-۳۸	۳۸۷۶	۵۴	۴۶۷۸
هند	۱۹۲۱-۳۱	۲۶۷۷	۳۷۷۸	۳۱۷۴
یونان	۱۹۲۶-۳۰	۴۹۷۹	۵۶۷۷	۴۹۷۳

نکاتی که باید مورد توجه قرار گیرد اینست که اولاً این آمار برای تمام کشورها تهیه نشده تا آنجا که بین کشورهای مرفعی و عقب مانده اختلاف فاحش است. احتمال زندگی نتیجه و معلول عوامل چندی است رژیم غذایی بهداشت و بیماری سلامتی دوران طفولیت و والدین و مواجهه با خطرات همه در تعیین و تخمین احتمال و امید بزندگی دخالت دارند و با نتیجه دیده میشود که شاخص احتمال بزندگی معیاری از کلیه فعالیت های اقتصادی يك جامعه میباشد.

آمار مرگ شاخص دیگری برای سنجش عقب افتادگی یا تکامل اقتصادی است. آمار مرگ کشورهای مرفعی با نواحی عقب مانده نیز کاملاً نامتناسب و غیر قابل مقایسه است.

در سالهای قبل از جنگ مرگ طبیعی در کشورهای عقب مانده از هزار نفر ۱۶ الی ۲۳ در کشورهای تکامل یافته ۱۰ الی ۱۴ بود تعداد مرگ کودکان در سال اول زندگی در میان هر هزار کودک برای کشورهای تکامل یافته بین ۴۰ و ۶۰ است در حالی که نواحی عقب مانده زیاده از ۱۰۰ تلفات میدهند و گاهی زیاده از ۲۰۰ چورف و اسپینگر در کتاب عوامل اقتصادی در تکامل نواحی که جمعیت متراکم دارند (۱۹۵۱) رقم باور نکردنی ۵۰۰ را برای ایران ذکر کرده است جدول زیر چگونگی آمار مرگ را در کشورهای مختلف مجسم میسازد.

## جدول مرک طبیعی و مرک کودکان برای سال ۱۹۳۸

کشور	مرک کودکان	مرک طبیعی
	(تعداد مرک در سال اول زندگی در هر ۱۰۰۰ کودک که زنده بدنیا میآید)	(تعداد مرک در هر ۱۰۰۰ نفر در سالهای بعد)
افریقا	۱۶۳۷۴	۲۶۷۳
مکزیک	۱۲۸	۲۲۷۹
و نزوئلا	۱۳۸۷۷	۱۸۷۴
چین و فورمز	۱۴۵۷۷	۲۰۰-
هند	۱۶۷۷۱	۲۳۷۷
کشورهای متحده	۵۱	۱۰۷۶
نروژ	۳۷۷۳	۹۷۹
انگلیس	۵۲۷۷	۱۱۷۶

بهداشت عمومی شاخص دیگری است. انتشارات سازمان ملل متحد حاکی است که تعداد مردگان در اثر دیفتری در کلمبیا ۶ تا ۹ برابر انگلیس میباشد و تلفات مالاریا ممکن است ۱۰ تا ۱۰۰ برابر باشد جوزف جی اسپنگلر مینویسد: مالاریا ۳۰۰ میلیون نفر را در سال مورد حمله قرار میدهد ۳ میلیون را میکشد و برای بقیه ضایعاتی معادل ۲۰ تا ۴۰ روز بیکاری ایجاد مینماید.

بهداشت عمومی در نواحی عقب افتاده فوق العاده نامطلوب است و خصوصاً در خاورمیانه و خاور نزدیک بیماریهای روستائی تلفات وحشت آوری دارند. از دسته دوم شاخصها آمار غذا لباس و پناهگاه و درآمد فردی حائز اهمیت است ولی این دسته از شاخصها بخودی خود چیزی را بیان نمیکنند و تنها در ارتباط با ارقام و آمار دیگر گویا و پرمفهوم خواهند گردید.

در کشورهای عقب افتاده کالری دام معمولاً از حبوبات و غلات بدست میآورند اما کشورهای متریقی زیاده تر بمصرف شیر و گوشت و دیگر اغذیه گران قیمت پرداخته اند قبل از جنگ دوم کالری متوسط هر فرد در کشورهای متحده آمریکا به ۳۲۴۰ تخمین زده شد که در حدود ۳۰ الی ۴۰ درصد آن از حبوبات و سیب زمینی اخذ میگردد ولی در هند مصرف کالری هر فرد ۲۰۲۱ تخمین زده شد که ۶۰ الی ۷۰ درصد آن از حبوبات و سیب زمینی گرفته میشود.

شاخص درآمد فردی فعالیت زندگی اقتصادی را بعنوان یک محصون نهائی مجسم میسازد.

درآمد فردی کلیه کشورهای عقب مانده در دست نیست و اشکالاتی که در راه محاسبه آن وجود دارد فوق العاده بنظر میرسد.



مقایسه درآمد فردی در کشورهای عقب مانده و مترقی نشان میدهد که میزان و نظام فعالیت اقتصادی در این نواحی تاچه حد اختلاف دارند و فقر مردم عقب افتاده تاچه درجه است.

جدول زیر برای نمایش و مقایسه درآمد فردی از طرف وزارت کشور آمریکا در ژانویه ۱۹۵۰ تنظیم گردیده است .

کشور	درآمد فردی بد دلار در هر سال	طبقه بندی درآمد فردی
کشورهای متحد آمریکا	۵۵۴	۱
آلمان	۵۲۰	۲
انگلیس	۴۶۸	۳
سوئیس	۴۴۵	۴
سوئد	۴۳۶	۵
استرالیا	۴۰۳	۶
فرانسه	۲۸۳	۱۱
شیلی	۱۷۴	۱۸
شوروی	۱۵۸	۲۰
یونان	۱۳۶	۲۲
چک اسلواکی	۱۳۴	۲۳
یوگوسلاوی	۹۶	۲۷
ژاپن	۹۳	۲۹
مصر	۸۵	۳۱
هند	۳۴	۵۰
چین	۲۹	۵۲
اندونزی	۲۲	۵۳

ارقام مذکور میزان قلیل رفاه مادی مردم کشورهای عقب مانده را با وضوح و صراحت فراوان بیان میدارد و بطوریکه اشاره شد در اکثریت بزرگی از این کشورها امکانات و ذخائر و منابع اولیه و وسائل ازدیاد درآمد واقعی فردی و بالا بردن سطح زنده و رفاه مادی میسر است .

و بساین ترتیب میزان تکامل یا عقب ماندگی اقتصادی يك ناحیه از روی این شاخصها بایک دقت علمی تشخیص و اندازه گیری میشود . بنابراین هرگاه بتوانیم موقعیت و وضع يك ناحیه عقب افتاده را از روی شاخصها روشن بسازیم باید گفت کشوری در حال تکامل است که این جدولها در حال ترقی و توسعه مداوم باشد و اگر بتوان شاخص درآمد واقعی فردی را نتیجه و معرف تمام شاخصهای پولی مذکور فرض نمود باید گفت تکامل واقعی اقتصادی و پیشرفت و بهبود موقعی حاصل شده است که میزان درآمد واقعی فردی بالا رفته باشد .

مسئله دیگری که در این جا مطرح میشود اینست که آیا تکامل اقتصادی و بهره

برداری و استحصال از تمام ذخائر و منابع طبیعی و انسانی و امکانات يك ناحیه به تنهایی صورت پذیر هست یا نه؟ این موضوع قابل تامل بنظر میرسد و چنین تصور می‌شود که تاریخ تکامل و پیشرفت اقتصادی و تکامل سیاسی را لازم و ملزوم یکدیگر می‌شناسند، در مقابل تحول و تکامل اقتصادی نیروی عادات و رسوم و نظامات قدیمی اجتماعی نقش مهمی بازی میکنند.

در عین حال وضع و موقعیت نواحی عقب مانده با شرایطی که کشور های متمدنی و صنعتی امروز در بدو شروع کار و تکامل اقتصادی داشتند مختلف و متفاوت است. امروز تجربیات از موده شده در دسترس ملل عقب مانده قرار دارد و ارتباط ملل با یکدیگر همه کارها را آسان ساخته است واحد بین المللی طلا دیگر وجود ندارد و مانعی در راه پیشرفت بشمار نمی‌رود دولت‌ها در امور اقتصادی و اجتماعی مداخله دارند و مسئولند و اقتصاد ارشادی برای پیشرفت و اجرای نقشه های اقتصادی سلاح قاطعی است.

**نظری بایران -** گویا مستغنی از بحث و استدلال باشد که اقتصاد کشور عزیز ما مراحل اولیه تکامل را سیر میکند و قبل از وصول بموقعیت ممتاز اقتصادی که ملل غرب دارند راه دراز و دشواری را باید طی کند و موانع و مشکلات زیادی که اکنون در پیش اوست باید پشت سر قرار دهد.

عوامل اصلی (سکتور) اقتصاد ایران در آمد کشاورزی در آمد نفت و تولید و دیگر قسمت های فعالیت اقتصادی است. اما جای تاسف است که آمار و ارقام صحیح و دقیق در هیچ يك از این سه رشته فعالیت اقتصادی تنظیم و تدوین نشده است و برای سنجش میزان تکامل اقتصاد نمیتوانیم از آن اطلاعات و آمار استفاده کنیم از شاخص های بولی و غیر بولی که ببحث آن گذشت چیزی در ایران تهیه نگردیده است و کارهای آماری ماهنوز در او ان کودکی است اداره آمار عمومی در سالهای اخیر دست بیک کار تازه و اساسی زد و آمار و اطلاعات پر ارزش و نوینی از جمعیت ایران و بعضی امور دیگر تهیه کرد.

این آمار گیری مبنا و پایه يك مطالعه دقیق اقتصادی میتواند باشد و تنها بكمك همین آمار و اطلاعات دقیق است که تنظیم نقشه ها و پروژه های ساختمانی و تولیدی صورت پذیر خواهد گردید.

مطالعه این آمارها کار بسیار جالب و آموزنده است و اگر چه نتایج حاصله از آن را نمیتوان بطور دقیق و سیستماتیک باشاخص های اقتصادی که در سنجش رشد یا عقب افتادگی اقتصادی در خارج بنکار می‌رود مقایسه کرد اما در عین حال نتایج وضع و موقعیت اقتصادی کشور ما را با وضوح و دقت بیشتری نمایش میدهد. چنانچه توفیقی دست دهد این کار را در فرصت دیگری انجام میدهیم.

ناصر و ثوقی - شهریور ۱۳۳۷ (پایان)

### پاره از منابع و مأخذ :

- Economic Growth and Instability  
 Future Of Underdereloped Countries . E .  
 Staley  
 Approaches to Economic Development : Buchanan and  
 Bllis .  
 The theory of Economic Growth : W . Arthur  
 Lewis .

.....

انسان که از زن زائیده میشود قلیل الایام و پراز زحمات است. مثل گل میروید و بریده میشود و مثل سایه میگریزد و نمی ماند. و آیا بر چنین شخصی چشمان خود را میگشائی. و مرا با خود بمحا کمه میآوری. کیست که چیز طاهر را از چیز نجس بیرون آورده هیچکس نیست. چونکه روزهایش مقدر است و شماره ماههایش نزد تو است. و حدی از برایش گذاشته که از آن تجاوز نتواند کرد. و از او رو برگردان تا آرام گیرد. و مثل مزدور روزهای خود را بانجام رساند. زیرا برای درخت امید است که اگر بریده شود باز خواهد روئید. و رمونه هایش نابود نخواهد شد. اگر چه ریشه اش در زمین کهنه شود و کهنه آن در خاک بمیرد. لیکن از بوی آب رمونه میکند. و مثل نهال نوحاچه ها میآورد. اما هر د میمیرد و فاسد میشود. و آدمی چون جانرا سپارد کجاست. چنانکه آبها از دریا زایل میشود. و نهرها صنایع و خشک میگردد. همچنین انسان میخوابد و بر نمیخیزد. تانیست شدن آسمانها بیدار نخواهد شد. و از خواب خود برانگیخته نخواهد گردید...

ایوب پیغمبر